



فرهنگ نیایش در قرآن کریم

پدیدآورده (ها) : شریفی اصفهانی، مهین
علوم قرآن و حدیث :: تحقیقات علوم قرآن و حدیث :: بهار 1383 - شماره 1 (ISC)
از 9 تا 23

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/21071>

دانلود شده توسط : zahra mardani
تاریخ دانلود : 02/04/1397

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتال که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [فوائین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

فرهنگ نیایش در قرآن کریم

دکتر مهین شریفی اصفهانی

(عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور تهران)

msharifies @ yahoo.co.uk

چکیده: آیات بسیاری از قرآن کریم عهده‌دار خطاب بندگان به خدا یا گفتگوی قشرهای مختلف مردم با خداست. این خطاب‌ها و گفتگوها غالباً با الفاظ «رب» و «ربنا» آغاز شده‌اند. نیایش‌های قرآنی از حیث محتوا بر سه قسم است: الف) نیایش‌های درخواستی و مطالبانه؛ ب) اعتراف‌آمیز و معترفانه؛ ج) شکوه‌آمیز و معترضانه. در این پژوهش با اشاره به انواع نیایش‌های قرآنی محتوای اغلب آن‌ها در جدولی فهرست شده‌اند.

کلید واژه‌ها: خطاب، گفتگو، نیایش، درخواستی، اعتراف، معترضانه.

فرهنگ نیایش در قرآن

آیات بسیاری از قرآن کریم، عهده‌دار بیان خطاب بندگان به خدا یا گفتگوی قشرهای مختلف مردم با خداست. این گونه آیات، روایتی از گفتگوی دو سویه بندگان و خداست. خطاب‌های بندگان به خدا در قرآن که اصطلاحاً دعا یا نیایش نامیده می‌شود به اعتبار پاسخ بر سه نوع است:

الف) گاه گفتگویی دو سویه یعنی همراه با پاسخ است (بقره / ۲۶۰؛ اعراف / ۱۵۵-۱۵۶ و...)؛ ب) در مواردی نیز فقط به اجابت این نیایش‌ها - مستقیم یا غیرمستقیم - اشاره شده است (صافات / ۱۰۰؛ انبیا / ۸۳-۸۴؛ شعراء ۱۸-۱۹ و...).

ج) گاهی نیز این خطاب‌ها مسکوت و بدون پاسخ عنوان شده‌اند (ص / ۳۵؛ اعراف / ۱۵۱ و...)

البته نباید نادیده انگاشت که سکوت خداوند نیز در واقع نوعی پاسخ است چنان‌که برخی گفته‌اند چون خداوند به بندگان امر فرموده که «ادعونی استجب لکم» استجاب و عده اوست و معقول نیست که دعای غیر مستجابی را در قرآن ذکر کند، از این رو سکوت او دلیل بر استجاب است و غیر مستجاب بودن دعا که برخلاف قاعده است — باید ذکر شود (طباطبائی ۱۳۶۳: ج ۸، ۳۵۹).

در مکالمات و محاورات انسانی نیز، اگر مخاطب گاهی سکوت اختیار کند حمل بر بی‌سختی و بی‌پاسخی او نخواهد شد. افزون بر این، حضور آدمی در محضر بزرگی و بازگویی کاستی‌ها و نیازهایش، اگرچه گوینده صرف باشد نیز مغتنم خواهد بود.

از سوی دیگر، باید توجه داشت که انسان‌ها دعایی غریزی و درخواست‌هایی فطری دارند، یعنی به هنگام بروز سختی و مشکلات به زبان فطرت از پروردگار خود حاجت می‌طلبند و کمک می‌جویند (انعام / ۶۳؛ زمر / ۸، یونس / ۱۲؛ روم / ۳۲ و...) این نیاز فطری نباید با گفتگو خلط شود، زیرا گفتگو امری اختیاری و انتخابی است و شکل ارتقاء یافته و صورت بالنده دعای فطری و طبعی است. رابطه این دو، عموم و خصوص مطلق است نه تطابق و تماثل. پیامبران این نیاز فطری را پرورش داده و در گفتگو متجلی ساخته‌اند. خطاب‌ها و گفتگوهای بندگان و خدا غالباً با الفاظ «رب» و «ربنا» آغاز شده‌اند^۱ و موارد معدودی نیز با تعبیر «اللهم» و «سبحانک» به کار رفته است. گاهی نیز، خطاب بندگان به خدا بدون استفاده از الفاظ تشریفاتی «رب، ربنا و...» است^۲ که یکی از زیباترین این موارد خطاب آدمیان به خدا در سوره حمد است. در

۱. کلمه «ربنا» ۷۰ بار برای خطاب به خدا به کار رفته و کلمه «رب» ۶۵ بار، تعبیر «سبحانک» ۹ مورد و «اللهم» نیز ۵ مورد آمده است که در یک مورد آن، ترکیب «سبحانک اللهم» به کار رفته است (یونس / ۱۰). تعبیر «یا رب» نیز تنها در چند آیه آمده است مانند آیات ۸۸ سوره زخرف و ۳۰ سوره فرقان که هر دو شکایت پیامبر (ص) از قوم خود) است.

۲. این موارد، بسیار معدود و تنها در چند آیه آمده است مانند آیه ۱۰ / قمر و آیه ۸۳ / انبیاء.

این سوره که سراسر، گفتگوی بسنده با خداست (طباطبائی ۱۳۶۳: ج ۱، ۲۱) آدمیان، بدون هیچ تشریفاتی از خداوند درخواست می‌کنند که «اهدنا الصراط المستقیم».

در پاره‌ای از خطاب‌هایی که در آن ابزار خطاب (رب، ربنا و...) به کار رفته‌اند، پس از این الفاظ، ساختار امر و نهی آمده است،^۱ این خطاب‌ها غالباً حامل درخواست و مطالبه است، گاه نیز پس از ابزار خطاب، جمله‌های اخباری یا انشایی استقهامی آمده است این چنین عباراتی نیز گاه به معنای درخواست و مطالبه است.

با بررسی دقیق عبارات و آیات دعایی قرآن، می‌توان گفت همه ادعیه قرآنی درخواستی و مطالبانه نیست و نیایش‌های قرآنی از حیث محتوا بر سه قسم اند: الف) درخواستی و مطالبانه؛ ب) اقراری و معترفانه؛ ج) شکوه آمیز و معترضانه.

نیایش‌های درخواستی و مطالبانه.

بیش‌ترین نوع ادعیه قرآنی، نیایش‌های درخواستی و مطالبانه است. این درخواست‌ها — جز در مواردی اندک — از سوی فرد یا گروهی شناخته شده، آمده است و موضوع آن‌ها نیز غالباً غیرمادی است.

در سوره بقره، قرآن ضمن اشاره به دو گروه نیایشگر، کسانی را که فقط درخواستی دنیایی و مادی دارند مورد نقد و طعن قرار داده، از گروهی که برای دنیا و آخرت خود دعایی کمال‌جویانه دارند به نیکی یاد می‌کند و آنان را به بهره‌مندی از اعمالشان بشارت می‌دهد: «فمن الناس من يقول ربنا اتنا فی الدنيا و ماله فی الآخرة من خلاق»^۲ «و منهم من

۱. در ۴۳ مورد پس از «ربنا» بلافاصله امر یا نهی آمده و در ۲۰ مورد عبارتی غیر امری (خبری، شرطی، پرسشی) و در سایر موارد، مجموعی از عبارات امری و غیر امری پس از «ربنا» آمده است (مانند ۸۳). پس از تعبیر «رب» نیز ۲۹ مورد فعل امر یا نهی و در ۲۷ مورد عبارتی غیر امری آمده است و در سایر موارد نیز مجموعی از عبارات امری و غیر امری پس از این تعبیر به کار رفته است (فصص / ۱۶). پس از اصطلاح «سبحانک» و «اللهم» غالباً عبارات، غیر امری است (مانند ۱۱۶).

۲. این آیه، طعن گروهی است که پس از گذراندن مناسک حج، مردمی کوتاه بین و دنیا دوست‌اند و از دنیا روی برنمی‌تابند و چشم اندازشان از محیط دنیا و آرزوهای آن فراتر نمی‌رود (طالقانی، ۹۵/۲).

يقول ربنا اتنا في الدنيا حسنة و في الآخرة حسنة ﴿١﴾ «و قنا عذاب النار» ﴿٢﴾ «اولئك لهم نصيب مما كسبوا و الله سريع الحساب» ﴿٣﴾ (بقره / ۲۰۲-۲۰۰)

بی‌شک، حاجات و خواهش‌های انسان، متناسب با تنگی و فراخ وجود اوست. خواسته‌ها و مطلوب‌ها، آینه شخصیت افرادند. هرچه خواسته‌ها متعالی است درخواست کننده متعالی تر؛ علو و دنو خواسته‌ها، بازتاب شاکله‌های عالی و دانی است. گروهی از مردم، تصورشان از دعا ناصواب است. گویا بر در دکانی رفته و کالایی درخواست کرده‌اند و وجهی پرداخته و تحویل کالای خود را به انتظار نشسته‌اند، لذا چنانچه کالای مورد نظر خود را تحویل نگرفته، یا دیر تحویل گیرند، مأیوس و اندوهگین خواهند شد.

انتظار این گروه، آن است که به محض درخواست از خدا، طلبشان وصول شود. اینان، نگرشی معامله‌گرانه به دعا دارند و عدم وصول به مطلوب و حاجتشان، آنان را به شکایت از خدا یا ناامیدی از خود سوق می‌دهد. این نگرش از جهاتی نادرست است زیرا دعا، سخن گفتن با خدایت که در آن، نفس گفتگو و ایجاد ارتباط با خدا مطلوب و نوعی سود است و نباید انتظار سود دیگری داشت و به بهره‌ای دیگر دل بست.

دعا هم طلب است و هم مطلوب، دعا طریقت صرف نیست بلکه خود — فی نفسه — موضوعیت و اصالت دارد و نفس گفتگو و معارفه‌ای که در دعاست، مطلوب و مغتنم است.

بدیهی است که مناجات انبیاء، بیش از طلب و درخواست، گفتگوی با خداست و آنجا که طلبی را شامل است، غالباً درخواستی غیرمادی و در جهت اهدافشان است.

۱. در نقل قول طالبین دنیا برای درخواست دنیایی هیچ قیدی نیارود اما در نقل قول خداجویان، هم برای دنیا حسنه ذکر می‌کند هم برای آخرت؛ زیرا آن‌ها، سیئات دنیا را طالب نیستند (طباطبائی ۱۳۶۳، ج ۲، ۱۲۹).

۲. این دعا، از دعا‌های جامع قرآنی است زیرا کلمه حسنه، مطلق آمده و شامل انواع خیر است به همین دلیل؛ بیشترین دعای پیامبر (ص) بوده است (عزّه دروزه ۱۴۲۱: ج ۶، ۳۶۱).

۳. ترجمه: برخی از مردم می‌گویند، ای پروردگار ما، ما را در دنیا چیزی بخش. اینان را در آخرت نصیبی نیست و برخی از مردم می‌گویند: ای پروردگار ما هم در دنیا خیری بخش و هم در آخرت و ما را از عذاب آتش نگاهدار اینان از آنچه خواسته‌اند بهره‌مند می‌گردند www.AhoorMabg.ir عت به حساب هر کس می‌رسد.

گفتنی است مطالبات و حاجاتی که از سوی بندگان، در قرآن طرح شده، گاه مطالباتی اخلاقی و اعتقادی است که اگرچه ظرف این درخواست‌ها دنیاست نتیجه و عواقب آن در آخرت پدیدار خواهد شد (عنکبوت / ۳۰؛ نوح / ۲۸؛ آل عمران / ۸) و گاه مطالباتی است که ظرف، موضوع و عواقب آن، اخروی است (تحریم / ۸؛ فرقان / ۶۵). گاهی نیز مطالباتی است که موضوع و ظرف تحقق آن، دنیاست (آل عمران / ۳۸؛ قصص / ۲۱).

فهرستی^۱ از درخواست‌های گوناگون که از سوی بندگان (اعم از پیامبران و غیر پیامبران) در قرآن آمده به تفکیک آمده است:

| آیه | سوره | درخواست‌ها (مطالبات) | نیایش کننده |
|-----|------|--|-------------------|
| ۱۲۶ | بقره | درخواست امنیت (بلدامن) و روزی برای مؤمنین | ابراهیم |
| ۱۲۷ | بقره | درخواست قبولی اعمال | ابراهیم و اسماعیل |
| ۱۲۸ | بقره | طلب مسلمانان قرآن دادن خورد و فرزندان، تعلیم مناسک، پذیرش توبه | ابراهیم و اسماعیل |
| ۱۲۹ | بقره | درخواست برانگیختن رسولی از میان مردم (به منظور هدایتشان) | ابراهیم و اسماعیل |
| ۲۰۰ | بقره | طلب بهره‌های دنیایی | دنیا دوستان |
| ۲۰۱ | بقره | درخواست حسنه در دنیا و آخرت، دوری از عذاب | خداجویان |
| ۲۵۰ | بقره | درخواست صبر، پایداری و پیروزی بر کافران | سپاه طالوت |
| ۲۶۰ | بقره | درخواست نمایاندن چگونگی احیای اموات (به منظور اطمینان قلبی خود) | ابراهیم |
| ۲۸۵ | بقره | درخواست غفران و آمرزش خداوند | مؤمنین |
| ۲۸۶ | بقره | درخواست تکلیف به اندازه طاقت، پیروزی بر کافران، بخشش خطا و نسیان | مؤمنین |

| آیه | سوره | درخواست‌ها (مطالبات) | نیایش کننده |
|-----|----------|--|----------------|
| ۸ | آل عمران | درخواست نبوت بعد از هدایت، و رحمت خداوند | اندیشمندان |
| ۱۶ | آل عمران | طلب آموزش گناهان و ایمنی از آتش | متقین |
| ۳۵ | آل عمران | درخواست پذیرش نذر خود | همسر عمران |
| ۳۸ | آل عمران | درخواست فرزندی طیب | زکریا |
| ۴۱ | آل عمران | درخواست نشانه و آیتی برای خود | زکریا |
| ۵۳ | آل عمران | درخواست نوشتن نامشان در شمار شاهدین | حواریون |
| ۱۴۷ | آل عمران | درخواست آموزش گناهان و اسراف در امور، پایداری و پیروزی بر کافران | ربیون |
| ۱۹۱ | آل عمران | درخواست ایمنی از عذاب | خردمندان |
| ۱۹۳ | آل عمران | درخواست آموزش گناهان، پوشاندن خطاها و مردن با نیکان | خردمندان |
| ۱۹۴ | آل عمران | درخواست اعطای وعده‌های پیامبران، خوار نکردنشان در روز جزا | خردمندان |
| ۷۵ | نساء | درخواست خروج از دیار ظالمین و قرار دادن ولی و یاور برای آنان | مستضعفین |
| ۸۳ | مائده | درخواست ثبت نامشان در شمار شاهدین | رهبان نصاری |
| ۱۱۴ | مائده | درخواست نزول مائده آسمانی | عیسی |
| ۴۷ | اعراف | درخواست قرار نگرفتن در شمار ظالمین | ساکنان اعراف |
| ۱۴۳ | اعراف | درخواست رؤیت خداوند | موسی |
| ۱۵۱ | اعراف | درخواست آموزش خود و هارون و دخول در رحمت خداوند | موسی |
| ۸۹ | اعراف | درخواست گشایش راه حق میان آنها و مخالفین | شعیب و پیروانش |
| ۱۲۶ | اعراف | طلب شکیبایی، و مسلمانی به هنگام مرگ (مسلمان مردن) | ساحران فرعون |
| ۸۶ | یونس | طلب نجات و رهایی از کافرین | قوم موسی |

| آیه | سوره | درخواست‌ها (مطالبات) | نیایش کننده |
|-------|---------|---|-------------|
| ۸۵ | یونس | طلب عامل فتنه واقع نشدن برای ظالمین | قوم موسی |
| ۸۸ | یونس | درخواست نابودی اموال فرعونیان و سخت کردن قلوبشان | موسی |
| ۳۷ | ابراهیم | درخواست تحول و دگرگونی قلوب مردم | ابراهیم |
| ۴۰ | ابراهیم | درخواست نمازگزار بودن خود و فرزندش و پذیرش دعایش | ابراهیم |
| ۳۵ | ابراهیم | درخواست امنیت شهرش، دوری خود و فرزندانش از بت پرستی | ابراهیم |
| ۳۶ | ابراهیم | درخواست بخشش برای گمراهان | ابراهیم |
| ۴۱ | ابراهیم | درخواست آموزش والدین و مؤمنین | ابراهیم |
| ۶ | مریم | درخواست فرزندی شایسته و جانشینی صالح | زکریا |
| ۱۰ | مریم | درخواست آیت و نشانه‌ای برای خود | زکریا |
| ۱۰ | کهف | درخواست رحمت و رستگاری | اصحاب کهف |
| ۲۵-۳۲ | طه | درخواست گشایش سینه‌اش، آسانی کارش، گشودن عقده زبانش | موسی |
| ۲۵-۳۲ | طه | قرار دادن هارون به عنوان وزیر و پشتوانه‌اش | موسی |
| ۸۹ | انبیاء | درخواست تنها (و بی‌وارث) رها نکردنش | زکریا |
| ۱۱۲ | انبیاء | درخواست داوری به حق | پیامبر |
| ۲۶ | مؤمنون | درخواست یاری و نصرت در مقابل تکذیب قوم | نوح |
| ۳۹ | مؤمنون | درخواست یاری و نصرت در مقابل تکذیب مردم | صالح |
| ۱۰۹ | مؤمنون | درخواست آموزش و رحمت | مؤمنین |
| ۶۵ | فرقان | درخواست دوری از آتش | عباد الرحمن |
| ۷۴ | فرقان | درخواست روشنی چشم در فرزندان و همسران، پیشوای پرهیزکاران قرار گرفتن | مؤمنین |
| ۸۳ | شعراء | طلب حکمت و الحاق به صالحین | ابراهیم |

| آیه | سوره | درخواست‌ها (مطالبات) | نیایش کننده |
|-----|--------|---|------------------|
| ۱۹ | نمل | درخواست قرارداد وی به عنوان بنده‌ای سپاسگزار و شایسته (صالح) | سلیمان |
| ۱۶ | قصص | درخواست آمرزش (پس از اعتراف به ظلم خویش) | موسی |
| ۲۱ | قصص | درخواست رهایی از ستمکاران | موسی |
| ۳۰ | عنکبوت | درخواست یاری و نصرت در مقابل مفسدین | لوط |
| ۱۹ | سبأ | درخواست دوری منزلگاه‌هایشان از یکدیگر | اهل سبأ |
| ۱۰۰ | صافات | درخواست فرزندی صالح | ابراهیم |
| ۳۵ | ص | درخواست آمرزش و ملکی بی‌همتا | سلیمان |
| ۷-۹ | مؤمن | درخواست آمرزش مؤمنین، دوری ایشان (مؤمنین) از عذاب، ادخال آن‌ها در بهشت موعود و حفظشان از عقوبت دوزخ | ملائکه |
| ۱۵ | احقاف | درخواست آموختن سپاس منعم (خدا، والدین)، عمل شایسته و جلب خشنودی خدا | انسان |
| ۱۰ | حشر | درخواست آمرزش برادران دینی خود (مهاجرین) و جای ندادن کینه مؤمنان در دلشان | انصار (تابعین) |
| ۵ | ممتحنه | درخواست آمرزش و خوار نشدن در مقابل کافران | ابراهیم و یارانش |
| ۱۱ | تحریم | درخواست خانه‌ای در بهشت و نجات از فرعونیان و ستمکاران | همسر فرعون |
| ۸ | تحریم | درخواست تکمیل نورشان (در رستاخیز) و آمرزش گناهان | مؤمنین |
| ۲۶ | نوح | درخواست نابودی کافران | نوح |
| ۲۸ | نوح | درخواست آمرزش خود، پدر و مادر، مؤمنین و مؤمنات و کسانی که به خانه او داخل شوند (خویشان و نزدیکان) و افزایش هلاکت ظالمین | نوح |

نیایش‌های معترفانه

پاره‌ای نیایش‌های قرآنی مطالبانه نبوده، و جنبهٔ اعترافی دارد. اعتراف در برابر خداوند قادر و عالم (مطلق) — به دور از نگاه آدمیان — سبب آرامش خاطر و تسلی روح است و در انسان، حسّ جبران‌پذیری خطا را ایجاد می‌کند؛ یعنی هم تخلیهٔ روح و درون آدمی است و هم تخلیهٔ آن! اعتراف به گناهان، نواقص و کاستی‌ها — اگرچه در حضور دیگران عامل اشاعهٔ کژی‌ها و ذلت نفس آدمی است — در مقابل خداوند نه تنها فزونی صداقت و شجاعت است بلکه اظهار نوعی حقارت مثبت است.

انسان وقتی در مقابل خدای بزرگ قرار می‌گیرد و حقارت خود را باور و تصدیق می‌کند، این حقارت نه تنها مذموم نیست بلکه حقارتی ممدوح و به معنای القای واقع‌بینی (به خود) است. این حقارت، آدمی را به حقیقت خود متوجه می‌کند، حقیقتی که محدود است و حق سرکشی ندارد. اعتراف در مقابل خدای عظیم و باکرامت و اظهار حقارت و محدودیت در پیشگاه او، منجر به رشد آدمی است. گاه این اعترافات، بیان گناهان و آلودگی‌های انسان نیست و برعکس، القای آقاریری سازنده است. از این رو، اعتراف سازنده و مؤثر دو گونه است: الف) بیان گناهان، کاستی‌ها و قصورات از سر صدق و خجلت در پیشگاه خداوند (اعراف / ۲۳)، که گاه پیوند میمونی با توبه دارد. و توبهٔ پس از گناه، گرچه کاری بس دشوار و افتادن در دام خجلتی هستی سوز است پذیرفته شدن آن، نعمتی است عظیم و دریاوش که به همهٔ خجلت‌ها می‌ارزد! تلقین و القای آقاریری سازنده و مثبت به روح و نفس آدمی که باعث تعالی و رشد آن است (بقره / ۲۸۵، آل عمران / ۹).

پاره‌ای از مضامینی که در نیایش‌های قرآنی، به صورت اعتراف آمده است، مصادیق برای اعترافات سازنده است و گاهی نیز سخن دل با خدای گفتن است و صرفاً نوعی مراوده و ارتباط با خداست (آل عمران / ۳۵ و ۳۶؛ مائده / ۲۵ و...).

فهرستی^۱ از نیایش‌های معترفانه قرآن، عبارت است از:

| آیه | سوره | اعترافات (واقایر) | نیایش‌کننده |
|-----------|----------|---|------------------|
| ۲۸۵ | بقره | اعتراف به رسالت پیامبر(ص) و اطاعت از او | مؤمنین |
| ۹ | آل عمران | اعتراف به روز حشر، و عدم خلف وعده‌های خداوند | اندیشمندان |
| ۱۶ | آل عمران | اعترافات به ایمان آوردن خود | متقین |
| ۳۶ و ۳۵ | آل عمران | بیان اینکه فرزندش را وقف خدمت خدا خواهد کرد (علی‌رغم دختر بودنش) | همسر عمران |
| ۵۳ | آل عمران | اعتراف به ایمان و اطاعت از رسول | حواریون |
| ۱۹۲ و ۱۹۱ | آل عمران | اعتراف به عدم بطلان آفرینش هستی، رسوایی اهل آتش و تنهایی ظالمان | خردورزان |
| ۱۹۳ | آل عمران | اعتراف به شنیدن صدای منادی ایمان و ایمان آوردن به او | خردورزان |
| ۱۹۴ | آل عمران | اعتراف به خلف وعده نکردن خداوند | خردورزان |
| ۲۵ | مائده | اقرار به اینکه تنها، مالک (صاحب اختیار) خود و برادرش است | موسی |
| ۸۳ | مائده | اقرار به ایمان آوردن خویش | راه‌بان نصاری |
| ۱۲۸ | انعام | اعتراف به بهره‌مندی و ارتباطی دوسویه بین آن‌ها و شیاطین | پیروان شیطان |
| ۲۳ | اعراف | اعتراف به ظلم به خویشان و خسراشان (در صورت عدم مغفرت و رحمت خدا) | آدم و حوا |
| ۱۵۵ | اعراف | اعتراف به قدرت مطلق خداوند | موسی |
| ۸۵ | یونس | بیان توکل خویش بر خدا | قوم موسی |
| ۴۵ | هود | اقرار به حق بودن وعده پروردگار و احکم الحاکمین بودنش | نوح |
| ۴۷ | هود | پناه بردن به خدا از نادانی و اقرار به خسرا و زیانکاری در صورت عدم آمرزش و رحمت خداوند | نوح |
| ۳۳ | یوسف | اعتراف به محبوبیت زندان تن نسبت به آلودگی گناه و اظهار درماندگی و بنده بودن (در صورت نبودن امداد الهی) | یوسف |

| آیه | سوره | اعترافات (واتاریر) | نیایش‌کننده |
|---------|---------|---|-------------------|
| ۱۰۱ | یوسف | اقرار به انعام الهی (فرمانروایی و عمل تعبیر خواب) و قدرت خداوند | یوسف |
| ۳۶ | ابراهیم | اعتراف به گمراهی بسیاری از مردم، تأیید پیروان خود، اعتراف به رحمت و مغفرت خداوند (و در خواست بخشش برای گمراهان) | ابراهیم |
| ۳۷ | ابراهیم | بیان مشکلات خود | ابراهیم |
| ۳۸ | ابراهیم | اعتراف به علم و آگاهی خداوند | ابراهیم |
| ۴ | مریم | بیان اینکه از دعای پروردگارش بی‌نصیب نیست | زکریا |
| ۴۵ | طه | اقرار به ترس از تعدی و طغیان فرعون | موسی و هارون |
| ۸۴ | طه | اقرار به این که حرکت وی در راه خدا و برای خشنودی اوست | موسی |
| ۱۰۹ | مؤمنون | اعتراف به ایمان آوردن خود و رحمت بی‌بدیل خداوند | مؤمنین |
| ۱۲ | شعراء | اعتراف به بیم داشتن از تکذیب مردم | موسی |
| ۴۴ | نمل | اقرار به ظلم به خویشان، تسلیم بودن در برابر خداوند | ملکه سبا |
| ۱۷ و ۱۶ | قصص | اقرار به ظلم به خویشان، همکاری نکردن با گنه‌کاران | موسی |
| ۲۴ | قصص | اعتراف به نیازمندی به نعمت‌های خداوند | موسی |
| ۳۳ | قصص | اعتراف به قتل و ترس از قصاص | موسی |
| ۸ و ۷ | مؤمن | اعتراف به فراگیری رحمت خدا، عزت و حکمت خداوند | فرشتگان |
| ۹ | مؤمن | اعتراف به اینکه کسی که با رحمت خدا حمایت شود کامیاب است | فرشتگان |
| ۱۰ | حشر | اعتراف به رحمت و رأفت خداوند | انصار (یا تابعین) |
| ۴ | ممتحنه | بیان روی کرد خود به خداوند و توکل بر او | ابراهیم و یارانش |

نیایش‌های شکوه‌آمیز و معترضانه

در این‌گونه نیایش‌ها، (که شمار آن‌ها به مراتب کمتر از سایر نیایش‌ها است) غالباً بندگان شکوه دیگران را نزد خدا برده‌اند.^۱ شماری از این نیایش‌ها، نوعی اتمام حجت بوده، ذکر آن‌ها در قرآن هشداری برای سایرین است (فرقان / ۳۰؛ انبیاء / ۱۱۲؛ منافقون / ۱۰؛ ...) از سوی دیگر، شکوه و رازگویی با خدایی که حلیم، سمیع و علیم است، آرام‌بخش نهاد ناآرام بشر است.

فهرستی^۲ از این گفتگوهای معترضانه (با خداوند)، به شرح زیر است:

| آیه | سوره | شکایات (بیانات اعتراض‌آمیز) | نیایش‌کننده |
|-----|----------|---|-------------------------|
| ۴۷ | آل عمران | شکایتی ملایم با بیانی متعجبانه از مادر شدن وی بدون داشتن همسر | مریم |
| ۷۷ | نساء | پرسشی معترضانه در مورد وجوب جنگ | بیمناکان از جنگ |
| ۴ | مریم | شکایت از ضعف جسمی خود (اعتزافی شکوه‌آمیز) | زکریا |
| ۸ | مریم | شکایت از پیری خود و نازایی همسر و نداشتن اولاد | زکریا |
| ۳۰ | فرقان | شکایت از مهاجرت قرآن نزد امت | پیامبر |
| ۱۱۷ | شعراء | شکایت از تکذیب قوم | نوح |
| ۸۸ | زخرف | شکایت از ایمان نیاوردن مردم | پیامبر |
| ۱۰ | منافقون | شکایتی ملایم از خدا، به دلیل تأخیر نینداختن مرگ برای انجام اعمال صالح (به‌ویژه انفاق) | مسئمن پشیمان (غیر منفق) |
| ۵ | نوح | شکایت از قوم در اصرارشان بر کفر و نپذیرفتن دعوت وی | نوح |
| ۲۱ | نوح | شکایت از عدم اطاعت قومش و پیروی از دیگران | نوح |

۱. و با (به‌ندرت) از خدا شکایت کرده‌اند مانند اعتراف شخص خدا فراموش، به حشر خود به صورت نابینا، (طه / ۱۲۵)، و با تهدید معترضانة ابلیس (حجر / ۳۹).
 ۲. در این فهرست، بیانات اعتراض‌آمیز www.ck12.org درج شده است.

نتیجه گیری

برخلاف آنچه میان مردم رواج دارد همه نیایش های قرآن مطالبانه نیست و چنانچه شامل درخواست و طلب باشد به ندرت درخواستی مادی است. گفتنی است که مراد از نیایش و دعا در این نوشتار گفتگویی انتخابی و اختیاری با خداوند است نه دعایی غریزی و فطری که به هنگام سختی غالباً بدون اختیار بر زبان آدمیان جاری می شود. دعا در قرآن به معنای درخواست و مطالبه ای یک سویه نیست، بلکه گفتگو با خداوند است که در آن نفس ارتباط با خدا اهمیت دارد. در نیایش های قرآن استجاب خدا و حتی سکوت او نوعی پاسخ تلقی می شود.

در این گفتگوها، آدمیان گاه سخن به شکوه می گشایند گاه با اعتراف در محضر پروردگار خود بر عزت خویش می افزایند و گاه نیز با طلب خواسته های معنوی خویش از خدا یاری می جویند. در این گونه گفتگوها نه تنها موضوع گفتگو بلکه شیوه آن نیز بسیار درخور توجه است. از سوی دیگر، دعوت به گفتگوی بی واسطه آدمیان با خداوند اصل انکارناپذیر قرآن است (بقره / ۱۸۶).^۱

نیایش اگرچه بیان مطالبات و اعترافات و شکایات انسان ها در محضر خداست اما در واقع بهانه ای برای رسیدن به بهای گفتگو و معارفه با خداست. آن بهاست که آدمیان را ارتقاء می بخشد و جانشان را لبریز از رحمت دریاوش خداوند می کند. این بها نباید هزینه آن بهانه شود، زیرا اگر نیایش بهایی در مقابل بهانه ها شود — گرچه آن هم در جای خود نیکوست و به از خدا فراموشی و غفلت از گفتگوی با خداست — نباید حظ و نصیبی افزون بر همان مطالبه و حاجت را از آن انتظار داشت.

منابع و مأخذ

- ابن عاشور، محمد طاهر (پی تا) (بی نا) تفسیر التحریر و التئویر.
- ابن کثیر الدمشقی، اسماعیل بن عمر (۱۴۰۱)، تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دارالفکر.

۱. ترجمه آیه ۱۸۶ بقره چون بندگان من درباره من از تو بپرسند بگو که من نزدیکم و به ندای کسی که مرا بخواند پاسخ می دهم پس به ندای من پاسخ دهند و به من ایمان آورند تا راه راست یابند.

- ابي السعود، محمد بن محمد (بي تا)، ارشاد و العقل السليم الى فرايا القرآن الكريم، بيروت، داراحياء التراث العربي.
- امين اصفهاني ١٣٤١، مخزن العرفان، تهران، نهضت زنان مسلمان.
- بروسوي، اسماعيل (١٤٠٥)، روح البيان، داراحياء التراث العربي، بيروت.
- بغوي، حسين بن مسعود ١٤٠٧، معالم التنزيل، بيروت، دارالمعرفة.
- بهبودي، محمدباقر (١٣٧٨)، تدبري در قرآن، تهران، نشر سنا.
- بيبضاوي، ابوالخير عبدالرحمن (١٤١٤)، انوار التنزيل و اسرار التأويل، بيروت، دارالفكر.
- ثعالي، عبدالرحمن (بي تا)، الجواهر الحسان في تفسير القرآن، بيروت، مؤسسه الاعلمي للمطبوعات.
- حجتى، سيدمحمدباقر، بي آزار شيرازي، عبدالكريم (١٣٧٨)، تفسير كاشف، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامي.
- حسيني البحراني، هاشم (١٤١٥)، البرهان في تفسير القرآن، تهران، بنياد بعثت.
- زرقاني، محمد عبدالعظيم (١٩٩٦)، مناهل العرفان في علوم القرآن، بيروت، دارالفكر.
- زمخشرى، محمود [بي تا]، الكشاف عن حقايق غوامض التنزيل و عيون الاقوال في وجوه التأويل، بي تا.
- زيدان، عبدالكريم (١٤١٨)، المستفاد من قصص القرآن للدعوة و الدعاة، مؤسسه الرسالة.
- سنبل، احمد (١٩٩٨)، الحوار القرآني بين التفسير و التبعيسر، دمشق، دارابن هاني.
- طباطبائي، محمدحسين (١٣٤٣)، الميزان في تفسير القرآن (ترجمه محمدباقر موسوي همداني) قم، دفتر انتشارات اسلامي.
- طبرسي، ابوعلی فضل بن الحسن (١٣٧٩)، مجمع البيان في تفسير القرآن، بيروت، داراحياء التراث العربي.
- طوسي، ابوجعفر محمد بن الحسن (١٤٠٩)، التبيان في تفسير القرآن، قم، مكتب الاسلام.
- عزة دروزه، محمد (١٤٢١)، التفسير الحديث، بيروت، دارالغرب الاسلامي.
- فضل الله، محمدحسين (١٤٠٥)، من وحي القرآن، بيروت، دارالزهرا.

- قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۷۲)، الجامع لاحکام القرآن، قاهره، دارالشعب.
- ققی، علی بن ابراهیم (بی تا)، تفسیر القمی، قم، مؤسسه دارالکتاب.
- معرفت، محمدهادی (۱۳۹۸)، التهید فی علوم القرآن، قم، مطبعة مهر.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۵۳)، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتاب الاسلامیه.
- ملاصدرا، محمد بن ابراهیم صدرالدین شیرازی (۱۳۶۶)، تفسیرالقرآن الکریم، قم، انتشارات بیدار.
- مویل، محمد کمال (۱۴۲۰)، الحوار فی القرآن الکریم، دمشق، دارلفارابی.
- نسفی، عبدالله بن احمد (بی تا)، تفسیر النسفی، بی تا.
- وقفی، ابراهیم احمد (۱۴۱۴)، الحوار لغة القرآن الکریم و السننه النبویه، دارالفکر العربی.
- همدانی، محمدحسین، (۱۳۸۰)، انوار درخشان در تفسیر قرآن، تهران، کتابفروشی لطنی.

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی